

## جزر و مد سیاست و اقتصاد

### درامپراطوری صفویه

- ۸ -

مردم روی ملاحظاتی گاهی یولهایی به مأمورین - علاوه بر مالیات عادی - نیز می پرداختند که معمولاً داروغه وزیر و تحصیلدار و کلانتر چنین توقعاتی داشتند.<sup>۱</sup> ارباب تحویل بازرسی کل مخارج بود و کلیه اسناد ناظر را ارباب تحویل باید مهر کنند.<sup>۲</sup> مالیات‌ها به تناسب سیاست مملکت و اوضاع روز در تغییر و تبدیل بود، فی‌المثل مالیات محله جلفا که در زمان شاه عباس بزرگ فقط ۹ هزار فرانک بود، در زمان جانشینش به ۱۳ هزار فرانک و به تدریج به دو هزار بیستول (۲۰ هزار فرانک) رسید. این مالیات مختص مخارج کفش مادرشاه بود. در زمان شاردن (شاه عباس دوم) به ۵ هزار بیستول رسید و بعد از شاه عباس دوم آنرا به ۵۰ هزار اکو بالا برده بودند<sup>۳</sup> و این مالیات بر ساکنین این محله سرشکن می‌شد. قدرت صدراعظم و ناظر مخصوص بسته به موقعیت روز کار در نوسان بوده و گاه یکی بر دیگری از جهت تسلط بر امور مالی برتری داشته‌اند و اصولاً درین موارد گاهی مسأله رقابت هم پیش می‌آمده است. در زمان شاه عباس دوم، ناظر بر کلیه امور چیره شده به‌طوریکه صدراعظم از نیمی از امور مربوط اطلاع نداشت.<sup>۴</sup>

شک نیست که درآمد مهمی که به خزانه دولت و شاه می‌رسید نتیجه رفاه عمومی و درآمد تجارتنی بی‌کران بوده است، سیاحت خارجی درین روزگاران بارها از پیشرفت و توسعه تجارت گفتگو کرده‌اند. بازارهای متعدد هر شهر پرازالاهای گوناگون بود، به عنوان مثال از یک شهر متوسط بزدمیتوان نام برد که بقول تاورنیه «چندین بازار هست و همه مسقف هستند و این بازارها پر هستند از دکاکین تجار و صنعتگران و اتمه و کالا»<sup>۵</sup>

از بازارهای اصفهان، پای‌تخت، شهری که در آن زمان به قول شاردن «به اندازه لندن (دو کرور) جمعیت داشت» لزومی ندارد سخن زیاد گفته شود، کثرت تعداد بازارها خود دلیل بر رونق عجیب اقتصادی است، هنوز هم بسیاری از بازارهای عمده عهد صفوی دائر هستند، فهرست این بازارها را در کتاب ذیقیمت گنجینه آثار تاریخی اصفهان آقای دکتر هنرفرو گنجینه آثار ملی آقای عباس بهشتیان می‌توان یافت، آقای بهشتیان ازین بازارها نام می‌برد:

بازار بوریا باف‌ها (تعمیر زمان شاه اسمعیل)، بازارچه آقا، بازار درنالاریا نیم‌آور، بازار کلشن، بازار دروازه اشرف، بازار منجم‌باشی، بازار قیصریه (شاه عباس کبیر)، بازار دارالشفاء، بازار قنادها، بازار کلاه‌دوزها، بازار متقال‌فروشها، بازار جیت‌سازها، بازار زرگرها، بازار تفنگک

۱- شاردن ج ۸ ص ۹۷      ۲- شاردن ج ۷ ص ۲۴۳      ۳- شاردن ج ۸ ص ۲۹

۴- شاردن ج ۸ ص ۲۴۳      ۵- تاورنیه ص ۱۶۹

سازها و چخماق سازها (شمشیر گرها) ، بازار مسکرها ، بازار ترکش دوزها ، بازار زین سازها ، بازار قلم زنها و قندیل سازها (قنادها) ، بازار آهنگران ، بازار لوافها (درین بازار وسائل کاروانیان تهیه میشد) ، بازار کفش دوزها ، بازار رنگرزا ، بازار ریخته گرها (و این بازار اختصاصاً زنگه های مختلف شتران کاروان رامیساجت و استادان زبردست فلزات را از جهت تشخیص الحان موسیقی مورد توجه قرار میدادند) ، بازار شاهی (بازارچه بلند) ، بازار علیقلی آقا ، بازار مقصود بیگ . بازار ربسمان و بازار حبیب اله خان و غیره و غیره .<sup>۱</sup>

در کتب سفرنامه از بازارهای پیشماری نام برده شده است که جای ذکر همه آنها در اینجا نیست ، فی المثل در اصفهان ، محله سید احمد چهار بازار ، محله طوقچی چهار بازار ، در دشت دو بازار ، محله نیلیگر چهار بازار داشته اند .<sup>۲</sup> شاردن از بازار صندوق سازها ، بازار سراجان ، بازار نختابان ، رسته خراطان ، بازار ارسی دوزان ، بازار قلابدوزان ، بازار نقده دوزان (که زروسیم را روی لباس میدوزند) ، چپق سازان ، بازار تیر و کمان فروشان ، بازار کلاه دوزان ، بازار لندنی فروشان (مقصود ماهوت فروشان است) ، بازار شمشیر سازان ، بازار ساغری فروشان ، زرگران و جواهر فروشان ، آئینه سازان ، خرازی فروشان و بالاخره از ۲۴۱ بازار در اصفهان نام میبرد .<sup>۳</sup>

میدان شاه ، مهمترین مرکز داد و ستد بود و کم کم به صورت بورس شهر درآمد بود . علاوه بر آن ، اطراف آن ، عده زیادی فروشندگان همیشه وجود داشته اند که کم کم رسته های خاص پدید آوردند .

شاردن گوید : شاه عباس کبیر بانی میدان شاه سهولت تجارت را فرمان داده است ... بفرمان وی فروشندگان اجناس واحد گردهم آمده و در محل و منطقه مخصوص رسته های پدید آورده اند . نزدیکترین دکا کین بازار صحافان است که قلم تراش ، قلم ، کاغذ و ابزار تحریر می فروشند . روز جمعه را به قرعه یک نفر از صحافان در بازار خواهد بود و او باندازه یک ماه جنس میتواند بفروشد .<sup>۴</sup>

مالیاتی که از تجار و اصناف وصول میشد ، مهمترین منبع درآمد بود . علاوه بر اصناف ، طبقات کارگران و اهل حرف و صنایع نیز هر کدام مالیاتهای میدادند و علاوه بر آن گاهی به بیگاری کشیده میشدند .

خراج طبقات اصناف متناسب حرفه تعیین میشد و کلانتران اصناف هر طبقه را سرپرستی میکردند . میزان حقوق کارگران عادی را در سال از ۲ تومان تا ۵۵ تومان با خوراک نوشته اند و علاوه بر آن بعضی کارگران اضافاتی هم داشتند و جیره نیز میگرفتند .

طبقات اصناف مالیاتی که می پرداخته اند بقیاس زمان گاهی کم و زیاد و گاهی بخشوده میشده است . یک فرمان تاریخی از شاه عباس در مسجد

### نوع مالیاتها

۱- کچینه آثارهای ، عیار بهشتیان ، از ۲۰۰ تا ۳۰۰ ، عیب است که آقای بهشتیان اصرار دارد که انجمن آثار ملی و باستانشناسی را تقریباً این بازارها که بیشتر شکست خورده و متروک شده اند بدهد ، و حال آنکه همه میدانیم ، این انجمن آثار ملی نیست که رونقی به بازار میدهد ، بل رونق بازار در پول است و اقتصاد است و راه است و امنیت است و داد و ستد ، اینها را پیدا کنید دهها بازار بهتر از آن خود بخود ساخته خواهد شد .

۳- شاردن ج ۷ ص

۲- شاردن ج ۸ ص ۱۲

۴- شاردن ج ۷ ص ۱۳۴

۱۸۲ و ص ۱۱۴

شاه اصفهان هست که در آن دلاکان و خاصه تراشان را از بعض عوارض و رسوم معاف کرده و در آن میگوید: «... در زمان سابق خاصه تراشی مبلنی به عنف و تعدی از جماعت سلمانی و سلیمانی بازیافت مینموده اند...» سپس اضافه میکند: «هیچ آفریده‌ای از حکام و تیولداران و کلاتران و سر بلوکان مجال و ضابطان و صاحب اختیاران فیوج ممالک محروسه اصلاً و مطلقاً بهیچوجه من الوجوه بعلت اخراجات و عوارضات مسدوده الابواب از علفه و علوفه و قتلنا و الاغ والام و بیگار (بیکار؟ شکار؟) و شکار و طرح و دست انداز و پیشکش و سلامی و عیدی و نوروزی و وجوه کیک مرئی (۹) و زرتفنکچی و سایر تکالیف دیوانی بهر اسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاق بجماعه دلاکان و سایر کاسبان مذکور فوق که به خاصه تراش تعلق دارند ننموده و قلم و قدم کشیده کوتاه دارد.» (محرم ۱۰۳۸) ۱.

و از اینگونه فرامین بخشودگی در بیشتر شهرستانها هست که روی سنگ کنده و بر دیوار میادین و مساجد کار گذاشته اند، یک روایت عامیانه در شب گردیهای شاه عباس میگوید که شاه عوارض صنف نجار را به یک دلیل خیلی ساده بخشید و آن عوارض را به صنف کفاش تحمیل کرد ۲. از یک فرمان دیگر، باز، نوع عوارض آن زمان را میتوان تشخیص داد. شاه اسمعیل صفوی سادات قریه کوره خیردزمار آذربایجان را ازین مالیاتها معاف میکند: «مالوجهات و حقوق دیوانی ایشان را دانسته و در بسته معاف و مسلم و جزو ترخان و مرفوع القلم فرمودیم و ارزانی داشته، باید که حسب الحکم مقرر دانسته مطلقاً به علت مالوجهات و اخراجات و خارجیات و عوارضات حکمی و غیر حکمی از علفه و علوفه و قتلنا و الاغ والام و بیگار (۹) و شکار و طرح و دست انداز و عیدی و نوروزی و اساره پیشکش و سامدی و چریک و ده نیم و ملکانه و محصلانه و صد چهار و رسم الصداره و رسم الوزاره و حق السمی عمال و رسوم داروغگی و رسم التحصیر و المسافه و رسم الاستیفا و اخراجات قلاع و طوایل و صد یک و صد دو و سایر تکالیف دیوانی و مطالبات سلطانی و آنچه اطلاق مالو خارج بر آن توان کرد بهر اسم و رسم که باشد مزاحم نشوند. (جمادی الثانی ۹۰۷) ۳.

در فرمانی که از شاه عباس در مورد معافیت سلمانیها (خاصه تراشها) نام بردیم، طبقات مالیات دهندگان و نوع مالیاتها را میتوان شناخت: ۴  
«فرمان همیون شرف نفاذ یافت آنکه، چون توجه خاص خطیر مرحمت اثر و تعلق ضمیر منیر معدلت گستر همایون به ترفیه حال و فراغ بال کافه خلائق و عبادالله - بتخصیص کاسبان و درویشان سلمانی و سلیمانی که عبارت از دلاکان و آینه داران و فسادان و ختنه کاران

- ۱- نقل از مجله وحید شماره ۴ سال ۲ ص ۴۲ ۲- روایت است که شاه عباس در یکی از پنهان گردیهای خود، از دکان نجاری گذشت و متوجه شد که نجار چوبی را برید. چون چوب کوتاه شد آن را بدور انداخت و دوباره برید و چون بلند بود ناچاره شد دو باره قسمتی از آن را برید و بالنتیجه مدتی وقتش تلف شد. سپس از برابر دکان کفاشی گذشت، کفاش تخته کفشی را بریده بود و روی مدل اندازه گرفت متوجه شد که کوتاه است، چرم را به نیش گرفت و مقداری کشید، چرم بلندتر شد و به اندازه‌ای که میخواست رسید. شاه رد شد و فردا از دربار فرمان رسید که مالیات و عوارض نجارها را حذف کنند و بر مالیات کفاشان اضافه سازند!
- ۳- مجله دانشکده ادبیات تبریز، مقاله نخجوانی، ۲ سال ۱۲ ص ۲۳۶ ۴- متن فرمان از گنجینه آثار تاریخی اصفهان، دکتر لطف الله هنرفر ص ۴۳۶ نقل شده است.

و جامعه‌داران و کسه مالان و آبگیران و خدمتکاران - حمامات مردانه و زنانه و تیغ سازان و چرخگران و سنگ سایان و سایر جماعت سلمانی که به‌خاصه تراش منسوب و متعلق اندس درجه اعلی و نهایت کمال دارد در زمان فرخنده نشان نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی جنت‌آشپانی جد بزرگوارم طاب‌ثراه که امرخاصه تراشی بسعادت نصاب زبده‌الصناع استاد علی‌رضا دلاک خاصه شریفه رجوع گشته احکام مطاعه لازم‌الاطاعه نواب گیتی‌ستانی خصوصاً حکمی که بتاریخ شهر ذی‌حجه الحرام سنه ۱۰۲۱ عزاصدار یافته مشعر برآنکه در زمان سابق خاصه تراشی مبلغی بمنف و تعدی از جماعه سلمانی و سلیمانی بازیافت مینموده‌اند و سعادت نصاب مشارالیه از تاریخی که خدمت خاصه تراشی باو متعلق گشته آن جماعت را از مطالبات مذکوره معاف گردانیده و شرط کرده که یکدینار از جماعت کاسبان و درویشان سلمانی و سلیمانی طلب ندارد و ثواب آنرا بروزگار فرخنده آثارنواب گیتی‌ستان فردوس مکانی شاه بابام انارالله برهانه هدیه نموده و در احکام مذکور است که هیچ آفریده از حکام و تیبولداران و کلانتران و سر - بلوکان محال و ضابطان و صاحب اختیاران فیوج ممالک محروسه اصلاً و مطلقاً بهیچوجه من الوجوه بعلت اخراجات و عوارضات مسدوده الابواب از علفه و علوقه و قنلنا و الاغ و الام و بیگار (۴) و شکار و طرح و دست انداز و پیشکش و سلامی و عیدی و نوروزی و جوه کپک مرئی و زرتفنگچی و سایر تکالیف دیوانی بهراسم و رسم کسه بوده باشد حواله و اطلاقی بجماعه دلاکان و سایر کاسبان مذکورفوق که بخاصه تراش تملقدارند ننموده و قلم و قدم کشیده کوتاه دارد و شکر و شکایت ایشانرا مؤثر شناسند و چون جماعه تیغ‌سازان و چرخگران از قدیم الایام بخاصه تراشان متعلق و منسوب‌اند و هرگز نسبتی بجماعه شکاک نداشته‌اند بهمان دستور بمومی‌الیه متعلق دانسته بقاعده زمان اعلیحضرت شاه جماعه جنت مکانی علین آشپان کدخدایان شکاک دخیل در ایشان ننموده و طمع و توقمی از ایشان نکنند و از قانون قدیم در نگذردند و مقدمات مذکور مؤکد به لعنت نامه گردانیده چون سعادت نصاب مشارالیه بدستور بخدمت خاصه تراشی نواب کامیاب همایون ما مقتخر و سرافراز است و شفقت و مرحمت بیدریغ شامل حال مومی‌الیه است مقرر فرمودیم که جماعه سلمانی و سلیمانی را بدستور نادرا العصر (۴) مشارالیه منسوب و متعلق دانند و ایشانرا از اخراجات و عوارضات مسدوده الابواب مؤکد به لعنت نامه معاف و مسلم و مرفوع القلم دانسته حکم نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی را بامضاء نواب همیون ما متصل و مقرون شناسند و حکام و کلانتران و ارباب و اهالی و ضابطان فیوج و سفید ریشان ممالک محروسه این عطیه را درباره ایشان مستمر و برقرار داشته از فرمان قضا جریان درنگذردند و خلاف کنند را موردسخت الهی و غضب پادشاهی شناخته از مدلول آیه کریمه « فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم » عدول و انحراف نورزند و هر ساله درین باب حکم مجدد تطلبند و چون پروانچه بهر مهر آثار اشراف اقدس علی مزین و محلی گردد اعتماد نمایند. تخریراً شهر ذی‌حجه الحرام سنه ۱۰۳۸ ع.

چنین فرمانهایی در میدان گنجعلیق خان کرمان و مسجد قائم نیز هست. باز در موردیک معافیت سادات شیراز، از این مالیات‌ها نام برده شده است :

و عمال و کدخدایان و رعایای قریه مزبور [اردکان] اصلاً به علت اخراجات و استصوابیات و شلتانات از علفه و علوقه و قنلنا و الاغ و بارخانه بیگار و شکار و طرح و دست انداز و چریک و بدرقه و سرشمار و خانه شمار و مواشی و مراهی و نخاله و سرگله و هوایی و پیشکش و سلامی

و عیدی و نوروزی و سایر تکالیف دیوانی و بهر اسم و رسم که بوده باشد اطلاق و حوالتی بر محال مفروزی و اولاد سیادت و مرحمت پناه سید شمس‌الدین محمد احمد سیما سید محمد شیخ علی ... ننموده ... و درین باب قدغن دارند هر ساله حکم مجدد نظر بند ... تحریر آفی شهر ربیع‌الاول ۱۰۲۰ه<sup>۱</sup>

در معافیت سادات رستم‌دار مازندران نیز ( در سال ۱۰۰۸ ) بعض مالیات ها بدینگونه عنوان شده:

د هیچ افریده‌ای از غازیان عظام و قورچیان گرام و آینه و رونده و ملازمان و حکام و غیر ذلک متعرض احوال قریه مذکور نشده به علت علفه و علوفه و پیشکار و شکار و قتلنا و طرح و دست انداز و غیر هم حوالتی ننموده و مزاحمت بحال متولی و درویشان مزار مذکور ننمائید<sup>۲</sup> ظاهراً این فرمان را شاه صفی نیز بعدها تأیید کرده و پشت آن نوشته است :

د صفی زجان غلام شاه است ۱۰۶۴ه<sup>۳</sup> مهر بنده شاه ولایت حاتم نیز دارد که ظاهراً مقصود حاتم بیک اردو بادی ص... اعظم است .

صحبت از مالیات سر شمار قبل از صفویه بوده که در بعض نقاط متروک شده است ، از آن جمله شاه اسماعیل در سال ۹۲۴ سر شماره مردم تون را بخشیده است و فرمان آن بر دیوار امامزاده طیس باقی است .

شاردن صحبت از عوارض جزیه می‌کند که از قرار هر نفر یک مثقال طلا و بر طبق قوانین اسلام بوده .<sup>۴</sup> و من از آقای سپنتا در اصفهان شنیدم که ایشان یک طغرا رسید پرداخت جزیه را در اختیار دارند .

هر دکان پیشه‌وری ۱۰ سول عوارض میداد ، و عوارض راهداری متفاوت بود و از هر بار شتر یک شاهی و گاهی ۵ تا ۶ لیور عوارض گرفته میشد .<sup>۴</sup>

**بخشش‌ها**  
چنانکه اشاره شد ، اغلب اوقات به مناسبت‌هایی ، مالیاتها بخشیده میشده است ، چنانکه « شاه طهماسب در سال ۹۷۱ تمغای کل ممالک ایران را که معادل سی هزار تومان بود بخشید »<sup>۵</sup> و شاه عباس اول در سال ۱۰۰۷ . د حدود یکصد هزار تومان عراقی به شکرانه عطایای الهی اکثر به قید همه ساله به رعایا و عجزه تخفیف و تصدق فرمودند ، و « دیناری ۵ دینار عمل کرد حکام را » که به مرور ایام در عراق معمول شده بود که اصل مال نقدی را با منافع تیولداری و داروغگی یکی را پنج از رعایا می‌گرفتند ، و آن وجه زیاده از پنجاه شصت هزار تومان می‌شد ،<sup>۶</sup> تخفیف داد ، و در سال ۱۰۲۰ « از خالص محصولات خاصه شریفه عشری زارعان املاک دیوانی را بخشید .<sup>۷</sup> و شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۰ « سیصد هزار تومان باقی ممالک ایران را تخفیف داده بخشید »<sup>۸</sup> و این همان پولی بود که « می‌بایست لله بیک و ملائیم بیک از مردم بگیرند و تحویل دهند »<sup>۹</sup>

**وصول مالیات**  
مالیاتها توسط تحصیلداران و کلانتران وصول میشد ، تحصیلداران وثیقه می‌پرداختند و به این شغل گماشته می‌شدند و حواله‌چک‌ها به دست

- 
- ۱- مجله راهنمای کتاب سال نهم شماره ۳ ص ۳۵۰
  - ۲- فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه دفتر چهارم ، دانش پژوه ، ص ۶۴۳
  - ۳- شاردن ج ۸ ص ۲۸۱
  - ۴- ایضاً
  - ۵- منتظم ناصری .
  - ۶- عالم آرای عباسی ص ۵۸۷
  - ۷- ایضاً ص ۸۸۶
  - ۸- منتظم ناصری
  - ۹- عباسنامه ص ۱۴۳

اینان سپرده می‌شد، و اینان از حواله‌های يك روز ده درصد حقوق دریافت می‌کردند و این حقوق را از عواید شاه هم می‌گرفتند و پانصدشصد هزار لیور وصولی این تحصیلداران بود، به قول شاردن تحصیلداری که درآمدش را از ۶۰ هزار لیور پول ابریشم خریدهندیها دریافت می‌کنند ۴ درصد حق العمل دارد، زیر پول او بدون درد سر حاصل می‌شود. اگر مؤدی پولی آماده نداشت، برای دیر کرده‌فته‌ای نیم درصد اضافه می‌گرفتند. البته حواله‌هایی که تا پای تخت سیصد چهارصد فرسنگ فاصله داشت سر نوشت نامعلومی داشت و آنها را معامله می‌کردند و این معامله گاهی به يك ربع بهای اصلی برات می‌رسید. ۲ مطالبات دیوانی که حکام ولایات وصول می‌کردند کم و بیش بهمرکز ارسال می‌شد، اما برای اینکه گمان نرود که همیشه این وصولها صورت عادی داشته، به يك نمونه آن اشاره می‌شود: ملك الملوك جلال‌الدین محمود حاکم سیستان در زمان شاه عباس اول « غلوايش به اخذ مطالبات دیوانی قدیم وجدید به مرتبه‌ای بود که میر مظفر انباردار که به سمت سیادت مشهور و به خدمت قدیم سلسله ملوك معروف بود به ضرب چوب ببرد، و میرسام غلام قدیمی خود را بکشت، و علی‌خان انباردار خود را در آب هیرمند انداخت تا هلاک شد، و حسین‌شاهی ترك که پدرانیش تحویلدار گاو ملك حیدر جدملك الملوك بوده‌اند، اولاد صنار و کبار خود را جهت باقی‌صد ساله که حقیقت از دفاتر معلوم نبود، بفروخت پس از آن آتش سینه‌اش افروخت تا ببرد، از اینگونه داغدار بسیارند و قابل تحریر نیست، ۳ از طرفی، در کوهستان ما روایتی هست که خواجه کریم‌الدین پاریزی، بعلت ۵ شاهی مالیات که از او اضافه گرفته بودند، خود را به پای تخت رساند (زمان شاه عباس دوم) و حتی با شاه ملاقات کرد و داستان ملاقات او و پرسش از ثروت بی‌کرانش مشهور است که شاه پرسیده بود مگر کیمیاگری میدانی؟ و اوجواب داده بود، آری، کیمیاگرم، منتهی وسایل کیمیاگری من نخود است و عدس و گندم و جو و سایر برخاست‌های کشاورزی، و شاه او را انعام داده بود. و جالبتر از همه نظر شاردن و مقایسه با مردم آن روزگار و سایر ملل است که می‌گوید: با همه اینها، هیچ سرزمین امپراطوری وجود ندارد که در آن آدمی کمتر ازین تحت فشار مالیات و خراج باشد، رعایا چیزی به عنوان سرانه نمی‌پردازند و زاد و توشه ضروری زندگی از مالیات معاف است. ۴

پول ایران در زمان شاه عباس ثبات خاصی یافت و در این مورد استاد

## پول

محترم آقای فلسفی تحقیقات گرانبھائی کرده‌اند که خلاصه آن اینست:

سکه‌های متداول طلا و نقره و مس بود، سکه ایران که عباسی خوانده می‌شد اول بار بر نقره ضرب شد و حدود يك مثقال (۴/۶۴ گرم) وزن داشت. نیم‌عباسی صد دینار و يك شاهی ۵۰ دینار ارزش داشت و يك شاهی مساوی ۲/۵ پیتی و غاز بیگی يك دهم شاهی بوده است. ۵.

هر پنجاه عباسی را يك تومان می‌گفتند که ده هزار دینار قیمت داشت. گاهی سکه‌های

۱- شاردن ج ۸ ص ۳۰۳ ۲- ایضاً ج ۸ ص ۳۰۱ ۳- احیاء الملوك ص ۲۲۴

۴- شاردن ج ۸ ص ۳۳۲ ۵- شاعری، دو کلمه عباسی و شاهی را در يك رباعی به قشنگی

آورده است، شعر در وصف عباس نامی است که رندان او را عباسی (به تحبیب) می‌خوانده‌اند:

عباسی ما رواج شاهی دارد در کشور حسن، کج کلاهی دارد

این در خزانه جصاری را بین در حوض بلور، خرد ماهی دارد

کم قیمت در شهرستانها نیز ضرب میشد .

سکه‌های طلا معمولاً کمتر در دسترس عموم بود و خروج آن بفرمان شاه عباس ممنوع بشمار میرفت . ضرب سکه زیر نظر معیر الممالک صورت میگرفت . سکه‌های طلای شاه اسماعیل اول بوزن ۷۴۴/۰ مثقال و از زمان سلطان محمد خدا بنده يك مثقال و از شاه عباس بزرگ ۱/۶۷ مثقال در دست است .<sup>۱</sup>

ضرب سکه تا حدی به صورت ابتدائی بود ، شمش‌ها را با قیچی فلزبری به قطعات متساوی‌الوزن میبردند و بعد با انبر و چکش آنها را گرد میساختند و سرانجام با چکش بر آن نقشی می‌انداختند ، کم‌کم استفاده از منگنه پیچ‌دار برای این کار ممکن شد .

اشرفی قدیم  $\frac{۳}{۴}$  مثقال وزن داشت . اما سکه اصلی و اساسی همان عباسی بود و حدود ۴/۶۴ گرم ( ۶ دانگ) وزن داشت .<sup>۲</sup>

ضراب باشی زیر نظر معیر الممالک بود . شاه ضرابخانه را به اشخاصی واگذار میکرد و این اشخاص فواید بشمار میبردند . چهارصد عمده موجود در نه دستگاه ضرابخانه هر روزه کار میکردند ، پانصد تومان الی ششصد هفتصد تومان به اجاره میدادند ،<sup>۳</sup> از مجموع مقایسه‌ای که در باب پولهای رایج آن زمان میشود کرد ، این ارقام بدست می‌آید . کوشش شده است که رقم مندرج در کتب و سفرنامه‌ها عیناً نقل شود :

۶۰ هزارا کو = ۴ هزار تومان

۱۵ هزارا کو = هزار تومان

۹۰۰۰ فرانک = ۲۰۰ تومان

۱۵ اکو = يك تومان = ۵۰ عباسی

اکو = ۳ تا ۶ لیور

۴۵۵ لیور (تورنی) = يك تومان (۴)

۹۰۰ یا ۸۰۰ لیور = حدود ۱۸ تومان

۴۰۰ لیور = حدود ۹ تومان

۳۰ روپیه = يك تومان

سه عباسی و يك شاهی از يك اکو زیادتر است ؟

عباسی نقره = ۴/۶۴ گرم

۲ سو = حدود نیم شاهی ، ۴۵ سو = ۱۰ شاهی

عباسی = ۲۰۰ دینار

نیم عباسی = ۱۰۰ دینار

۵۰ عباسی = يك تومان

تومان = ۱۰۰۰۰ دینار

۳۰۰ تومان = ۱۳۵۰۰ لیور

۲۰۰۰ پیستول = ۲۰ هزار فرانک

۴۰ تومان کیلی = ۲۰۰ تومان تبریزی

۱- زندگانی شاه عباس اول ، ج ۴ ، ص ۲۶۰ - ۲- مینورسکی ص ۱۱۷

۳- تذکره الملوك چاپ دبیرسیاقی ص ۲۴ - ۴- تاورنیه ج ۸ ص ۲۲۳

دینار =  $\frac{1}{17}$  سو

مبلغ يك هزار دینار موازی يكصد تومان تبریزی بوده است ۱.

اکنون بی‌مناسبت نیست ما درباره بعضی انواع حقوقها و مستمریهای آن روزگار اطلاعی بدهیم که با اوضاع این روزگار تا حدودی ارزش

### حقوقها

پول مشخص شود .

موجب سالیانه وزیران ۸۲۳ تومان بوده است و يك فرمانده هزار نفر ( مین باشی ) ۴۰۰ تومان موجب داشت ۲۰ با این حساب اگر نان ۴ دیناری آنروز را ۵ ریال امروز حساب کنیم ، هر يك تومان (ده هزار دینار) حدود ۱۲۵۰ تومان امروز ارزش خواهد داشت . حاکم اصفهان سیصد تومان (= ۱۳۵۰۰ لیور) حقوق داشت ۳ . صدور ( صدر خاصه و صدراعلمه ) هر کدام دو هزار تومان ( ۳۰ هزارا کو) دریافت می‌داشتند ، ولی عواید آنها تا ۶۰ هزارا کو بالغ می‌شد ۴ . حقوق یسا اولان حکومت هزار لیور ، ۵ و حقوق و مزایای میرآخور باشی بیش از پنجاه هزارا کو ، بود .

سربازان ۲۰۰ فرانك و درجه داران ۴۰۰ فرانك حقوق می‌گرفتند ۶ اما وصول این حقوقها آسان نبود ، زیرا حقوق را حواله می‌دادند و گاه می‌شد که این سربازان مجبور بودند ربع حقوق را به تحصیلدار رشوه بدهند تا حقوقشان وصول شود . ۷ درکارهای عمومی : حق القدم پزشك برای اول بار ۱۰ شاهی و برای دفعات بعد ۵ شاهی بود که معال ۴۵ سو پول فرانسه است .

در قصد دوسو و اصلاح سلما نی دوسومز دپر داخته می‌شد ۸ و دخترانی که وارد حرم سلطنتی می‌شدند از ۲۵۰ فرانك تا سه هزارا کو مستمری داشتند و مستمری معمولی بالغ بر ۲۵۰۰ لیور است . ۹ حقوق سربازان موظف قلعه طبرك ۳۰۰ تا ۵۰۰ فرانك بود و قریب ۱۰۰۰ تن سرباز درین قلعه همیشه وجود داشت . ۱۰ سواره نظام حدود ۴۰۰ لیور ، تفنگچی آقاسی و قوللر آقاسی يك هزار تومان حقوق داشت و در زمان شاه سلیمان قریب ۸۰ هزار سرباز حقوق بگیر در ولایات وجود داشته‌اند . ۱۲ حقوق يك غلام هشت یا نه تومان بود و تفنگداران نصف این مبلغ حقوق می‌گرفتند ، کارگرانی در کارخانه‌های سلطنتی بوده‌اند که ۸۰۰ اکو حقوق و مبلنی هم جیره داشته‌اند . ۱۱ و شاه حدود ۳۲ باب کارخانه داشت که هر کدام قریب ۱۵۰ کارگر داشتند . ۱۳ یکی از مقامات مهم رانجمنج باشی داشت ، خصوصاً در زمان شاه عباس دوم ، که بقول شاردن حقوق میرزا شفیع منجمنج باشی صد هزار لیور بود و پسرش - جانشین بعدی منجمنج - ۵۰ هزار لیور حقوق می‌گرفت . شاردن گوید : یکی از منجمنان در زمان شاه عباس ثانی ( ۱۰۷۱ ) با اینکه پنجاه هزار لیور حقوق داشت به شاه شکایت کرد که حقوق او کم است و معلوم شد که حقوق بعضی منجمنان تا ۱۲۰ هزار لیور میرسد و این غیر از عطایائی است که گاه و بیگاه به منجمنان داده میشود . ۱۴ **ناتمام**

- 
- ۱- جامع مفیدی مصحح ایرج افشار ج ۱ ص ۸۴      ۲- مینورسکی ، سازمان اداری صفویه  
 ۳- شاردن ج ۸ ص ۱۸۱      ۴- ایضاً ج ۸ ص ۴۱۷      ۵- و ۶- شاردن ج ۸ ص ۲۵۵ و ۲۵۴  
 ۷- ایضاً ج ۸ ص ۳۰۵      ۸- شاردن ج ۸ ص ۲۵ و ۲۶      ۹- شاردن ج ۸ ص ۳۷۹  
 ۱۰- شاردن ج ۷ ص ۲۶۷      ۱۱- شاردن ج ۸ ص ۲۲۳      ۱۲- شاردن ج ۷ ص ۱۰۶  
 ۱۳- شاردن ج ۷ ص ۱۰۲      ۱۴- شاردن ج ۵ ص ۱۲۸